



دوشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۶۶ برابر ۱ ژوئن ۱۹۸۷
بها ۶۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۵۹

اجلاس سران کشورهای امضاکننده پیمان ورشو

مورد خلع سلاح را که از یک سال پیش تاکنون ارائه شده است، مورد تأکید مجدد قرارداد و تدقیق کرد. به عنوان یک ابتکار تازه، کشورهای سوسیالیستی پیشنهاد می‌کنند دوپیمان نظامی موجود در اروپا برای ایجاد اعتماد متقابل مذاکراتی پیرامون دکتترین‌های نظامی خود آغاز نمایند. طبق این پیشنهاد، گفتگوهای مزبور می‌تواند در سال جاری میلادی در ورشو ویا بروکسل آغاز شود.

اجلاس برلین پیشنهادهای خلع سلاح پیمان ورشو درباره سلاحهای اتمی، شیمیایی و "عادی" و نیز تعداد نفرات نیروهای مسلح در اروپا را تدقیق کرد. در قطعنامه این اجلاس آمده است باید فوراً قراردادی پیرامون محومه سلاحهای میان‌برد آمریکا و شوروی در اروپا برپایه توافق اکتبر ۱۹۸۶ ریکویاک میان رهبران دو کشور منعقد گردد. در صورت انعقاد چنین قراردادی، اتحاد شوروی موشکهای برد کوتاه خود را از چکسلواکی و آلمان دمکراتیک برخواهد چید. طبق پیشنهاد پیمان ورشو، اتحاد شوروی و ایالات متحده باید موشکهای عملیاتی - تاکتیکی خود را از اروپا برچیده و درباره تعداد کل این موشکها که در اختیار هر یک از دو کشور است، به مذاکره بنشینند.

پیمان ورشو با تأکید بر پیشنهاد بقیه در صفحه ۱۰

هفته گذشته در برلین، پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان، اجلاس رهبران احزاب کمونیست مفت کشور سوسیالیستی اروپا که امضاکنندگان قرارداد دفاعی ورشو هستند، برگزار شد. در این اجلاس وزرای دفاع و خارجه اتحاد شوروی، آلمان دمکراتیک، لهستان، چکسلواکی، مجارستان، بلغارستان و رومانی نیز حضور داشتند.

اجلاس سران برلین، پیشنهادهای سازمان قرارداد ورشو

نگاهی به "طرح قانونی ارتش جمهوری اسلامی"

دمیدن روح "مکتب" در کالبد ارتش

مبارزات و مقاومت مردمی است، به نیروی نظامی متوسل می‌گردد. پان اسلامیس و امیال توسعه طلبانه رژیم خمینی که در برخی از مواد و بندهای "طرح قانونی ارتش" نیز انعکاس دارد، بازتابگر نیاز فوق العاده ماشین دولتی ارتجاعی رژیم خمینی به نهادهای نظامی و از جمله آن، ارتش است.

بدنیال سرنکونی حکومت ضد ملی شاه در جریان انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷، رژیم ارتش را نیز چون ماشین دولتی به تصاحب خود درآورد.

بحث پیرامون "طرح قانونی ارتش جمهوری اسلامی" که شوردوم آن در مجلس خمینی از روز ۱۶ اردیبهشت آغاز شده بود، در هفته‌های گذشته ادامه یافت و اساس آن به تصویب رسید. اساس "طرح قانونی ارتش" که به ویژه در مواد ۲ تا ۲۹ آن متجلی است، همانا بازتابگر تلاش رژیم خمینی برای دمیدن روح اسلام در کالبد ارتش و کنترل همه جانبه و فراگیر ارتش توسط دوایر سیاسی - عقیدتی و ساواک رژیم خمینی است. "طرح قانونی ارتش" و همه مواد، بندها و تبصره‌های آن، در واقع "قانونیت" بخشیدن به سیاستها و روش‌هایی است که رژیم سالهاست در ارتش اعمال می‌کند.

تجربه همه رژیمهای ارتجاعی بنور عموم و از آن بین تجربه مشخص جمهوری اسلامی نمایشگر آن است که ارتجاع برای حفظ، گسترش و بقای سیمپره خود که در واقع سرکوب

هوشدن حزب الله در بن

در روز دوم خرداد (۲۳ مه) حزب الله در بن (آلمان فدرال) به مناسبت "روز قدس" تحت حمایت فعال پلیس، تظاهرات داشت. از مدتی پیش سفارت جمهوری اسلامی به فعالیت افتاده بود، و سفارتی‌ها و انجمن اسلامی چی‌ها را بسج زده‌واز ضد انقلابیون افغانی و عده‌ای حزب اللهی ترک و عرب نیز با پرداخت عنایات خاصه دعوت کرده بود تا جمع همه مزدوران، جمع باشد. آنها از مکانهای مقرر به صورت گروهی در میدان مرکزی شهر بن تخلیه شدند و از حوالی ساعت ۱۱ صبح مراسم مضحک خود را آغاز کردند. سفارت که می‌دانست تظاهرات حزب الله با واکنش شدید ایرانیان مقیم شهر بن و نیز آلمانی‌هایی که ماهیت جمهوری اسلامی را می‌شناسند، مواجه خواهد بقیه در صفحه ۱۰

به مناسبت فرارسیدن ۱۱ خرداد (اول ژوئن) روز جهانی کودک

فرزندان رنج

زنجیره بی‌شمار دردها و رنج‌ها با کمبود شیرخشک آغاز نمی‌شود. کمبود و گرانی سرسام‌آور شیرخشک کودک را در مدار زندگی صفی و فلاکت کوبنی قرار می‌دهد. بر زندگی کودک - پیش از آنکه تولد یابد - مهر اجبار کوبیده شده است. او در خانواده به دنیا می‌آید و هر خانواده در نظام بهره‌کشی طبقاتی جایگامی دارد. کودک در یک "طبقه" به دنیا

می‌آید و اگر طبقه در قاعده هرم اجتماعی قرار گرفته باشد، از پیش درهایی به رویش بسته می‌شود و درهایی باز، باز به سوی فقر و بیماری و بندگانگی. در همان روزهای آغازین زندگی ممکن است دفتر حیات بسته شود. این جدال اول است. آخر مگر نه این که بر طبق آمار سازمان برنامه، میزان مرگ و میر کودکان زیر یک سال در ایران ۱۰/۴ درصد است؟ این رقم



فرزند رنج نمی‌خندد. خشکینانه می‌نگرد و کینه در دل می‌پروراند

در روستاها به ۱۲ درصد می‌رسد. وزارت بهداشت در سال ۶۲ اعلام کرد، "سالانه ۵۶۰ هزار مرگ و میر داریم که از این تعداد ۲۸۰ هزار کودک هستند. جمعیتی بالغ بر ۸۰ هزار نفر از آنان و ۱۵۰ هزار نفر دیگر به علت بیماری‌های شایع قابل پیشگیری مثل سرخک و سیاه سرفه از بین می‌روند." (اطلاعات ۱۵ اردیبهشت ۶۲). بنابر این کام اول در دفاع از حقوق کودکان ایران، دفاع از حق حیات آنهاست.

کودک از نخستین روزهای بقیه در صفحه ۱۰

وضع کودکان آینه تمام‌نمای يك جامعه

در صفحه آخر

طفل یتیم

شعری از پروین اعتصامی

در صفحه ۷

خوش بختی

شعری از ناظم حکمت

در صفحه آخر

از تظاهرات بیادماندنی برلین غربی علیه شاه ۲۰ سال گذشت

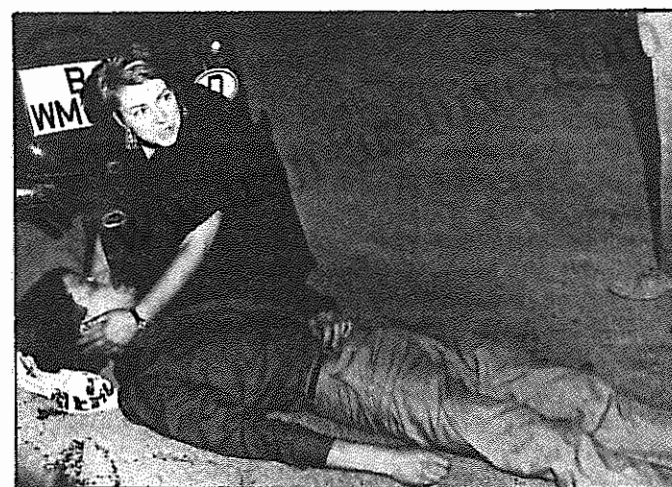
سنت‌های مبارزه با دیکتاتوری در خارج از کشور را پاس داریم!

۲۰ سال پیش، در دوازدهم خرداد ۱۳۴۶ (دوم ژوئن ۱۹۶۷)، اپوزیسیون مترقی ایرانی در خارج از کشور و نیروهای دمکرات و آزادیخواه آلمان فدرال و برلین غربی درسی فراموش نشدنی به رژیم ددمنش شاه و حامیان غربییش دادند. دهها هزارتن در تظاهراتی که علیه دیدار دیکتاتور ایران از برلین غربی برپا شده بود شرکت کردند. ساواکی‌هایی که شاه با خود آورده بود با عینک‌های دودی و چماق‌های دومتیری به اتفاق نفرات پلیس برلین غربی به این تظاهرات حمله ور شدند. هرچند در این یورش وحشیانه، بنواونه‌زورگ دانشجوی مترقی آلمانی به شرب گلوله پلیس کشته شد، اما تظاهرات - پوزوئو - به عنوان یک موفقیت برای نیروهای آزادیخواه ایرانی و جنبش همبستگی با مبارزات مردم ایران علیه دیکتاتوری شاه ثبت شد. شهردار برلین غربی از سمت خود استعفا کرد، و شاه و حامیان امپریالیست اودیتر پس از آن جرات نکردند برنامه بازدید رسمی و علنی با تشریفات معمول از کشورهای اروپای غربی به دولت‌های امپریالیستی اروپا نشان داد چنین دیدارهایی برای آنها بسیار گران تمام خواهد شد. شاه نیز دریافت به هرچا که اپوزیسیون ترقیخواه حضور داشته باشد گام بگذارد، تظاهراتی مانند تظاهرات برلین غربی در انتظار او است. در آستانه انقلاب نیز اعتراض گسترده دانشجویان ایرانی در مقابل کاخ سفید هنگامی که کارتر از شاه استقبال رسمی به عمل می‌آورد، خاطره "برلین غربی ۱۹۶۷" را زنده کرد. شاه دیگر در خود آمریکانیز در امان نبود.

اتحاد، رمز موفقیت

یادآوری تظاهرات ۲۰ سال پیش برلین غربی و نیز گرامیداشت یاد بنواونه‌زورگ دانشجوی آلمانی که با کشته شدن خود، نام این تظاهرات را در تاریخ ثبت کرد، مناسبتی است تا به تجارب سالها مبارزه اپوزیسیون مترقی ایرانی در خارج از کشور علیه رژیم شاه ببیندیشیم و در این تامل کنیم که چگونه می‌توان از این تجارب برای مبارزه امروز

علیه رژیمی که در ددمنشی و سرکوبگری کوی سبقت را از شاه و ساواک اوربوده است، حد اکثر بهره را گرفت. از لحاظ تبلیغاتی، بدون تردید رژیم شاه در عرصه بین‌المللی در موقعیت مناسب تری از وضع کنونی جمهوری اسلامی قرار داشت. اولاً شاه از حمایت علنی و بی‌قید و شرط دولت‌های امپریالیستی و رسانه‌های گروهی بورژوازی غرب برخوردار بود، امری که تالحت‌کنونی بدین حد در مورد رژیم خمینی صادق نبوده است. ثانیاً رژیم جمهوری اسلامی به علت ویژگیهای ایدئولوژیک و سیاسی ولایت فقیه تا حد رژیم شاه توانایی مانور و واکنش انعطاف پذیر



۱۲ خرداد ۱۳۴۶: یوزو و وحشیانه ساواکی‌ها پلیس برلین غربی به تظاهرات ضد شاه به مرگ بنواونه زورگ دانشجو مترقی آلمانی انجامید.

می‌شد که در یک شهر و در یک کشور اقدامی اعتراضی علیه دیکتاتوری شاه و حمایت غرب از رژیم او صورت پذیرد، روال معمول بر این بود که با اتحاد عمل نیروهای سیاسی مختلف، این اقدام اعتراضی از دامنه و بازتاب گسترده‌تری بهره‌مند می‌شد. اگر هواداران جریان معینی با طرح هر بهانه‌ای از شرکت در اقدام مشترک خودداری می‌ورزیدند، با این دآوری روبرو می‌شدند که سنگر مبارزه را ترک کرده‌اند.

واقعیت این است که امروز متاسفانه چنین نیست. با آنکه در قیاس با دوره حکومت شاه، نقش مهاجرت و مبارزه در خارج از کشور در مجموعه جنبش فزونی گرفته است،

تبلیغاتی در افکار عمومی جهان را ندارد. ثالثاً ابعاد جنایات و رسوایی‌های رژیم خمینی از فضیحت‌های رژیم شاه بسیار فراتر رفته است.

اما رژیم شاه نتوانسته بود این امکانات را برای درهم شکستن انزوای اخلاقی و سیاسی خود به بالفعل تبدیل کند. رژیم شاه در انتظار مردم آگاه، حتی در کشورهای سرمایه‌داری، رژیمی بود فاسد، سرکوبگر و خونخوار - همانگونه که واقعا بود. افشاگریهای مستمر و چندین‌ساله اپوزیسیون مترقی ایرانی که با حمایت آزادیخواهان و بشردوستان سراسر جهان انجام می‌گرفت، نقاب از چهره بزگرتترین دوست غرب در خاورمیانه برگرفته

مزدوران رژیم در خارج هنوز از آزادی عمل نسبی برخوردارند. سطح اعتراضات علنی، تناسبی با دامنه خشم و نفرتی که همه ما از رژیم خمینی داریم، ندارد. هنوز مقامات ریز و درشت رژیم به این سو و آن سو سفر می‌کنند بی‌آنکه این تحرک‌ها در محافل دمکراتیک به صورت اعتراضات بازتابی یابد. هنوز جیره‌بگیران جمهوری اسلامی جرات می‌کنند در شهرهای اروپایی تظاهرات "روز قدس" و... به راه ببندازند و در مواردی حتی گستاخی را به حد حمله علیه هواداران نیروهای ترقیخواه برسانند.

این وضع، دلیلی بر قدرت رژیم نیست، شمره پراکندگی تلاشهای اپوزیسیون مترقی است. نیروهای ترقیخواه اقدامات افشاگرانه خود علیه رژیم، امم از برگزاری تظاهرات، جمع‌آوری امضا و... را بدون هماهنگی و در بهترین حالت، به موازات یکدیگر انجام می‌دهند. نیاز جنبش حکم می‌کند که به این وضع پایان داده شود. مادر برابر مردم خود که در داخل کشور آماج جنایات و سیاهکاریهای پلیدترین حکومت تاریخ معاصر ایران شده‌اند، مسئولیم که موثرترین و نیرومندترین حربه‌ها را برای افشای رژیم ولایت فقیه در خارج از کشور به کار گیریم. ما مسئولیم که هیچ امکانی را در این راه بلااستفاده نگذاریم. با پراکندگی صفوف، چه بسیار امکاناتی که بلااستفاده می‌ماند.

ما پیشنهاد می‌کنیم نیروهای ترقیخواه ایرانی در خارج از کشور چارچوب معینی برای تبادل اخبار و اطلاعات پیرامون اقدامات رژیم و مزدورانش، تحرکات و سفرهای عوامل و مقامات رژیم و فعالیت‌های مراکز خبرچینی و نمایندگیهای جمهوری اسلامی در خارج از کشور ایجاد کنند و اقدامات خود در واکنش نسبت به این فعالیت‌ها را هماهنگ سازند. این، نخستین گام برای تدوین و اجرای برنامه‌ای برای هماهنگی افشاگریها و مبارزات علیه رژیم می‌تواند باشد.

هموار، به فکر

ابتکارهای جدید تر باشیم

درس دیگری که باید از تجارب مبارزه اپوزیسیون ترقیخواه علیه رژیم شاه گرفت، این است که نباید در انتخاب شیوه‌ها و اشکال افشاگری، دچار سکون و یکنواختی شد. جنبش یقیناً در صفا ۱

پقیه از صفحه اول

شده بود - ارتش را نیز به سیطره کامل خود کشد و آن را به نهاد نظامی مطیع و فرمانبر اوامر فرماندهی کل قوا (ولی فقیه) بدل سازد. رژیم پس از "تسخیر" سر برگ اطلاعاتیها و تابلوهای یادگانههای ارتش به امر بازسازی ارتش شاهنشاهی طبق ضوابط اسلامی و اصول مکتبی پرداخت. سیاست مکتبی کردن ارتش بموازات سیاست میلیتاریزاسیون جامعه اعمال شد. حکومت ثلوثکراتیک خمینی در عین حال کوشید تا با تقویت سپاه پاسداران در مقابل ارتش، از نقش ارتش بکاهد و آنرا به ارکان درجه دوم نظامی بدل سازد. رژیم گرچه در این کار به همه اهداف خود دست نیافت ولی کوشید تا بوسیله دوایر سیاسی و عقیدتی و ساواک کنترل همه جانبه ای بر ارتش اعمال کند. رژیم خمینی در عرصه جنگ، نیت توسعه طلبانه و امر سرکوب توده ای به ارتش نیاز دارد، اما رژیم مرکز نتوانسته است نگرانی و بیم خود را از نافرمانی محدود و گسترده ارتش پوشیده دارد. "طرح قانونی ارتش جمهوری اسلامی" قانونیت بخشیدن به تلاش مستمر رژیم خمینی به "مال خود" کردن ارتش است.

ارتش مکتبی مورک نظر رژیم

سیاست بیگانه کردن هر چه بیشتر پرسنل ارتش از توده ها هدف تمامی رژیمهای ارتجاعی است. مبراری قدرت و سیاست اطاعت محض پائین از بالا، لازم الاجرا بودن هر نوع دستور نظامی و متمرکز کردن قدرت فرماندهی در دست فرمانده کل قوا، گرچه هم در رژیم شاه و هم در رژیم خمینی، ساخت و بافت ارتش را تشکیل می دهد ولی نحوه بیگانه کردن ارتش از توده ها، در رژیم خمینی نمی توانست همانند رژیم شاه باشد. رژیم برای تحقق این هدف خود، از دمیدن روح مکتب در کالبد ارتش بهره گرفت.

در ماده ۲۹ "طرح قانونی ارتش" در خصوص شرایط عمومی استخدام آمده است:

- "الف: متدین بودن به دین اسلام؛
- ب: ایمان به انقلاب اسلامی؛
- ج: عدم سابقه عضویت یا وابستگی به احزاب و گروههای سیاسی؛
- د: عدم عضویت یا وابستگی به احزاب و گروههای سیاسی؛"

بدین ترتیب، از این پس مسلمان بودن شرط نخست استخدام در ارتش می باشد و پیروان سایر ادیان حق استخدام در ارتش را نداشته و تنها به

نگاهی به "طرح قانونی ارتش جمهوری اسلامی"

دمیدن روح "مکتب" در کالبد ارتش

عنوان سرباز "حق" کشته شدن در جبهه های جنگ را دارند. در ماده ۶ این طرح درباره "اصول و ویژگی های اساسی نیروهای مسلح" قید شده است که ارتش جمهوری اسلامی حامل صفات ذیل می باشد:

"الف: اسلامی بودن"
"در تشکیل و تجهیز نیروهای مسلح اساس و ضابطه مکتب اسلام است به نحوی که بر همه شئون و ابعاد آن ضوابط و مقررات شرع حاکمیت داشته باشد. نیروهای مسلح رسالت مکتبی چپاد راه خدا را بر عهده دارند."
"ب: ولائی بودن"

"نیروهای مسلح تحت فرمان فرماندهی - کل قوا - در تمامی رده های آن می باشند و پرسنل نیروهای مسلح در خط سیاسی مقدم رغبری بوده و حق عضویت و وابستگی آنان در تشکلهای سیاسی مطلقاً ممنوع می باشد."

"طرح قانونی ارتش جمهوری اسلامی" به منظور اسلامی کردن ارتش تنها به این مواد و توضیحات اکتفا نکرده، بلکه به دوایر سیاسی و عقیدتی در ارتش نه تنها رسمیت، بلکه اقتدار ویژه نیز بخشیده است. در ماده ۱۴ که به سازمان عقیدتی و سیاسی ارتش اختصاص دارد، تصریح شده است: "سازمان عقیدتی و سیاسی سازمانی است با سلسله مراتب مستقل و متمرکز." تاکید طرح بر استقلال این دوایر بدین معناست: این نهاد، تماماً نهاد حکومت مذهبی در ارتش بوده و اداره آن بطور متمرکز در اختیار ولی فقیه است. در بند (ا) این ماده درباره ماموریت این سازمان در ارتش آمده است: "رشد و گسترش فرهنگ و ارزشهای اسلامی در ارتش و وزارت دفاع و سازمانهای وابسته بر اساس معیارها و ضوابط اسلام و تدابیر و رهنمودها و دستورالعملهای مقام رهبری." در شش بند وظایف این دوایر در ارتش تاکید بر آموزش عقیدتی و سیاسی پرسنل ارتش در جهت هر چه بیشتر اسلامی شدن و مکتبی شدن آن است.

کنترل ارتش توسط ساواک

در "طرح قانونی ارتش جمهوری اسلامی"، اگر وظیفه اسلامی کردن ارتش بر عهده دوایر سیاسی عقیدتی قرار دارد، وظیفه کنترل ارتش کماکان اسلامی نشده بر عهده ساواک رژیم می باشد. ساواک رژیم از طریق "سازمان حفاظت اطلاعات"، همه

سازمان حفاظت اطلاعات قرار دهند.

در تبصره ۳ اختیارات "دخالت سریع" سپاه پاسداران در امور ارتش به رسمیت شناخته شده و آمده است: "رئیس سازمان حفاظت اطلاعات موظف است در موارد براندازی و خرابکاری مهم، فرمانده کل سپاه پاسداران را سریعاً در جریان قرار دهد." و در تبصره ۴، همکاری دوایر سیاسی و عقیدتی ارتش با سازمان حفاظت اطلاعات مبنی بر اسلامی کردن و کنترل عمده ارتش پیش بینی شده است. "سازمان حفاظت اطلاعات موظف است موارد انحرافات عقیدتی سیاسی پرسنل را به سازمان عقیدتی سیاسی منعکس نماید." در بند ۷ ماده ۷ طرح در خصوص ماموریت و وظایف ارتش، بر نقش سرکوبگر ارتش تاکید شده است. در این بند آمده است: "همکاری با نیروهای انتظامی - شهربانی، ژاندارمری و کمیته ها - و سپاه پاسداران در مقابله با اشراک، یاغیان، قاچاقچیان، تجزیه طلبان و جریانات براندازی." همچنین در بند ۸ همین ماده بر اقدامات ارتجاعی برون مرزی ارتش در کنار سپاه پاسداران، با این فرمول بندی اشاره شده است: "آمادگی جهت همکاری با سپاه پاسداران در کمک به مثل مسلمان و مستضعف جهان در دفاع از خود در برابر تهدید و تجاوز نظامی."

این است شای کلی "طرح قانونی ارتش جمهوری اسلامی." این طرح رسمیت دادن به سیاست عملاً جاری رژیم در قبال ارتش است. این طرح نشانه ورشکستگی و ناکامی سیاسی رژیم در مقابل ارتش می باشد. این حقیقتی است که رژیم در راستای اسلامی و "مال خود" کردن ارتش می کوشد، اما این طرح در عین حال بیانگر ترس و نگرانی عمیق رژیم از ارتش کماکان اسلامی نشده فعلی است. رژیم خمینی از گسترش تفکر سیاسی و افزایش نفوذ جریانات انقلابی در ارتش واهمه دارد. استقرار دوایر سیاسی و عقیدتی "مستقل" و نهاد "مستقل" ساواک در ارتش، پیش بینی دخالت نظامی سپاه پاسداران در طرح، اعمال ممنوعیت مطلق عضویت و وابستگی پرسنل ارتش در تشکلهای سیاسی، حفظ بافت و ساخت ارتش شاهنشاهی بدون شاه، تدریجی ولی فقیه در امور نظامی تحت عنوان فرمانده کل قوا، تبدیل سپاه پاسداران به یک ارتش دارای سه قوه نظامی و... بیانگر نگرانی عمیق رژیم نسبت به ارتش و واکنش آن در قبال حوادث آتی است.

عرصه های ارتش را زیر کنترل خود دارد. در ماده ۱۶ طرح درباره نهاد ساواک و ارتش آمده است: "سازمان حفاظت اطلاعات ارتش جمهوری اسلامی ایران سازمانی است با سلسله مراتب مستقل و متمرکز که با هماهنگی وزارت اطلاعات ماموریت و وظایف خود را انجام می دهد."

بدین ترتیب شعبه ساواک در ارتش نیز چون سازمان عقیدتی و سیاسی، نهادی مستقل از ارتش بوده و تحت رهبری مستقیم ولی فقیه و وزارت اطلاعات (ساواک) قرار دارد. در تبصره (ا) ماده ۱۶ طرح آمده است: "رئیس سازمان حفاظت اطلاعات، مورد تایید مقام رهبری بوده و عزل آن نیز با تایید مقام رهبری، است." در بند یک این ماده در خصوص ماموریت نهاد ساواک و ارتش تصریح شده است: "پیشگیری، کشف، شناسایی و خنثی کردن فعالیت های براندازی، جاسوسی، خرابکاری، نفوذ جریانات سیاسی و ایجاد اختلال در انجام ماموریت، برقراری امنیت ارتباطات..." از جمله ماموریت های این نهاد می باشد. در بند ۲ این ماده، برخی از وظایف نهاد ساواک در ارتش بدین گونه ارائه شده است:

"الف: کسب و جمع آوری اخبار و تولید، تجزیه و تحلیل و طبقه بندی اطلاعات مورد نیاز.

ب: کشف توطئه ها و فعالیت های براندازی، جاسوسی و خرابکاری.

ج: آموزش تخصصی پرسنل سازمان حفاظت اطلاعات.

د: گزارش اطلاعات و اخبار امنیتی به وزارت اطلاعات.

و: کشف و شناسایی فعالیت های سیاسی، پرسنل و نفوذ جریانات و تشکلهای سیاسی در ارتش، وزارت دفاع و سازمانهای تابعه.

ز: کشف و شناسایی موارد کم کاری و کارکنی و تخلف در انجام ماموریت و گزارش آن به مسئولین مربوطه.

ح: بررسی صلاحیت امنیتی پرسنل ارتش.

ط: طرح ریزی و انجام عملیات فنی حفاظت اطلاعاتی."

در تبصره ۲ این ماده، قدرت و اختیارات نامحدود این ارکان و در ارتش مورد تصریح قرار گرفته است: "ارتش، وزارت دفاع و سازمانهای وابسته موظفند پشتیبانی پرسنلی و لجستیکی مورد نیاز را در اختیار

درخواست محدودیت بیشتر برای مخالفین رژیم در آلمان فدرال

آلمانی‌ها در روابط آینده با ما به این شرط که مسالحت انگیز و جمهوری اسلامی را در نظر داشته باشند شانس خوبی دارند و از جمله باید همانند فرانسه در خصوص فعالیت ضد انقلاب در آن کشور تجدید نظر بعمل آورند. این مطلب را رئیس مجلس شورای اسلامی در دیدار با محمد جواد سالاری سفیر رژیم خمینی در آلمان فدرال بیان کرد.

یک هفته بعد از این پیام رفسنجانی به مقامات آلمان فدرال مبنی بر ایجاد محدودیت‌های بیشتر برای مخالفین رژیم در این کشور، هانس یورگن ویسنوسکی فرستاده ویژه صدراعظم آلمان فدرال وارد تهران شد. رادیو جمهوری اسلامی در خیر روز دوشنبه ۴ خرداد ماه، هدف سفر ویسنوسکی به تهران را مذاکره با مسئولین رژیم جهت آزاد ساختن دو آلمانی گروگان گرفته شده در لبنان ذکر کرد.

ویسنوسکی در تهران با رفسنجانی دیدار کرد. در این ملاقات علاوه بر مسئله گروگانها، جنگ ایران و عراق و همچنین گسترش باز هم بیشتر روابط دو کشور مورد مذاکره قرار گرفت.

عصر روز دوشنبه رسانه های غربی اعلام کردند که ویسنوسکی در تهران با یک رهبر گروه لبنانی نیز دیدار کرده است.

روز سه شنبه ۵ خرداد رادیو جمهوری اسلامی پیرامون سفر ویسنوسکی به تهران و همزمان با آن حمایت آلمان فدرال از جمهوری اسلامی در اجلاس اخیر وزرای خارجه کشورهای صنعتی امریالیستی تفسیری ارائه کرد. در این تفسیر از اقدامات این دولت قدردانی به عمل آمد.

دونت آلمان فدرال با عنوان اینکسسه سفر ویسنوسکی صرفا به منظور حل مسایلی گروگانها بوده است از هرگونه اظهار نظری نسبت به گفتگوهای وی در تهران خودداری کرد.

انفجار اتومبیل سفارت رژیم در لبنان

خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد که اتومبیل ۳ تنی ار کارکنان سفارت ایران در لبنان در شهر صور مورد حمله مسلحانه قرار گرفت و منفجر شد. در جریان انفجار اتومبیل یک تن از سرنشینان آن کشته شد. کارکنان سفارت جمهوری اسلامی به منظور شرکت در نمایش روز قدس و مانور پاسداران پس از شهر صور رفته بودند.

خمینی: حمله کنید! قضیه مشکل‌تر می‌شود

روز جمعه ۸ خرداد ماه رئیس‌جمهوری رئیس‌جمهوری ایران در دیدار با مسئولین لشکری و کتوری به مناسبت عید فطر در چهاران با خمینی دیدار کردند. در این دیدار، خمینی با اشاره به اوضاع جبهه ها، بار دیگر کسانی را که مسئولین جمهوری اسلامی را به پذیرش صلح فرا می‌خوانند، مورد حمله قرار داد و گفت: آنها که می‌گویند بایست سازش کرد آیا می‌فهمند که اگر سازش کنیم می‌شویم؟

خمینی به همه مسئولین هشدار داد جنگ نباید متوقف شود، با توقف، کار مشکل‌تر می‌شود (مردم بسیج، ارتش، سپاه) و نباشد.

در سال ۶۵ مردم بیش از سال قبل مالیات پرداختند

آن معادل ۵۲/۷۳ درصد بوده است. مالیات بردآمد شرکتهای دولتی در سال آماري مذکور ۱۸۶/۴۱ میلیارد ریال بوده که ۱۵ درصد افزایش نسبت به سال ماقبل داشته است. بر خلاف این، مالیات بردآمد شرکت‌های خصوصی در سال ۱۴/۳۹ میلیارد ریال بود که نسبت به سال قبل از آن هیچ‌تغییری را نشان نمی‌دهد.

بنا به گزارش ارایه شده، میزان مالیات بر درآمد در سال ۱۳۶۵ نزدیک به ۱۶۳/۳۲ - میلیارد ریال بوده که نسبت به سال پیش از آن ۱۹/۸۹ افزایش داشته است. در همین رابطه مالیات بر حقوق شامل بخش دولتی و خصوصی ۹۲/۹۵ میلیارد ریال بوده که در مقایسه با سال ۶۴، مالیات دهندگان این بخش که کارمندان دارای دستمزد ثابت هستند بیش از ۲۵ درصد بیشتر مالیات پرداخت کرده اند.

در بخش پایانی گزارش وزارت امور اقتصاد و دارایی وصولی مالیات از فروش سیگار ۱۳۵/۱ میلیارد ریال ذکر شده که خود به تنهایی ۳۰/۴۸ درصد مانیاتهای غیر مستقیم رایه خود اختصاص داده است.

روز جمعه ۸ خرداد ماه رئیس‌جمهوری رئیس‌جمهوری ایران در دیدار با مسئولین لشکری و کتوری به مناسبت عید فطر در چهاران با خمینی دیدار کردند. در این دیدار، خمینی با اشاره به اوضاع جبهه ها، بار دیگر کسانی را که مسئولین جمهوری اسلامی را به پذیرش صلح فرا می‌خوانند، مورد حمله قرار داد و گفت: آنها که می‌گویند بایست سازش کرد آیا می‌فهمند که اگر سازش کنیم می‌شویم؟

خمینی به همه مسئولین هشدار داد جنگ نباید متوقف شود، با توقف، کار مشکل‌تر می‌شود (مردم بسیج، ارتش، سپاه) و

وزارت امور اقتصاد و دارایی جمهوری اسلامی بیان مالیات دریافتی خود در سال ۶۵ را طی یک گزارش آماری منتشر ساخت. بر اساس آمار منتشره، در سال گذشته ۱۰۶۲۳۳۵۸۰۱ هزار ریال توسط وزارت دارایی از مردم به عنوان مالیات بردآمد و مالیات متفرقه اخذ شده است. طبق این گزارش مالیاتهای مستقیم دریافتی اعم از بخش خصوصی و دولتی در ۱۲ ماهه سال ۶۵ حدود ۵۷۹۶۱۰۷۴۶۱ هزار ریال بوده که در مقایسه با وصولی مالیاتهای مستقیم در ۱۲ ماهه سال ۶۴ به میزان ۹ درصد رشد نشان می‌دهد.

درآمدهای مالیاتی متفرقه در سال ذکر شده شامل حق تمیر، اوراق بهادار و عوارض خروج از کشور، گذرنامه بانگ بر ۲۷۸۲۱۲۷۴ هزار ریال گردید که در مقایسه با سال ۱۳۶۴ نشان دهنده ۱۶ درصد افزایش می‌باشد.

بررسی آمار مالیاتهای متفرقه حاکی از آن است که جمع درآمدهای مالیاتهای مستقیم با احتساب حق تمیر و عوارض خروج از کشور در سال ۱۳۶۵ به رقم ۶۱۷/۴۳ میلیارد ریال بالغ شده است که این میزان ۵۸/۱۲ درصد از کل مالیاتهای وصولی را تشکیل می‌دهد. این سهم در سال پیش از

آرژانتین اورانیوم به ایران صادر می‌کند

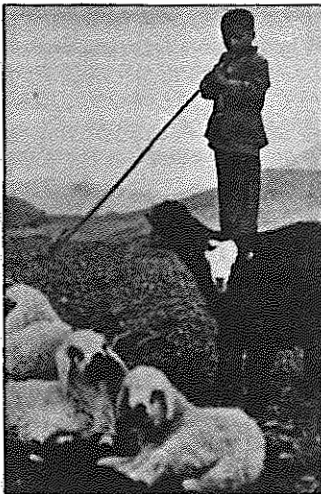
مذاکره دولت آرژانتین و جمهوری اسلامی برای انعقاد قرارداد همکاری "اتمی" از چندین ماه پیش بصورت پنهانی دنبال می‌شد که در اردیبهشت ماه با توافق طرفین خبر آن به صورت علنی منتشر گردید. در این ماه با سفر هیاتی به سرپرستی معاون سیاسی نخست وزیر مذاکرات خاتمه یافت و قرارداد صد و اورانیوم به ایران به امضا رسید. کیهان هوایی رقم قرارداد را ۵/۵ میلیون دلار ذکر کرده است.

"آرژانتین اورانیوم غنی شده" غلظت دار" به ایران صادر می‌کند تا آن در یک راکتور اتمی تجربی استفاده شود. روزنامه کیهان هوایی ضمن اعلام خبر فوق، به نقل از خبرگزاری رسمی آرژانتین نوشته است که صدر اورانیوم غنی شده از اوایل سال ۱۹۸۹ آغاز خواهد شد. راکتوری که در آن اورانیوم وارداتی از آرژانتین مورد استفاده قرار خواهد گرفت، در سال ۱۳۶۵ از آمریکا خریداری شده است.

به مناسبت فرارسیدن ۱۱ خرداد (اول ژوئن) روز جهانی کودک

فرزندان رنج

بقیه از صفحه اول



طپس - کودک بویان

۱۰۰ هزار دانش آموز به قتلگاه جنگ اعزام شده اند. چه تعداد زنده بازگشته اند؟ اکنون از افتخارات مدیران مکتبی مدارس این شده است که آمار کشته شده های مدارس خود را اعلام کنند. هر مدرسه ۱۰۰ نفر، ۱۵۰ نفر، ۲۰۰ نفر.

این از جنگ، دیگر چه؟ در مدرسه چیزی هم می نویسید؟ از مشق و حساب چه خبر؟ دفتر ۱۰۰ برگ ۱۰۰ تومان. قیمت روند و مقطوع است. هر ورق یک تومان. مشق شب نمکن است ۱۰ تومان خرج بردارد. نمی صرفدا! یا مشق را نباید تعطیل کرد و یا مدرسه را. خیلی ها مدرسه را ترک می کنند. هر کودک یک نیروی کار است، بالاخره دست و پایی دارد که می توانند چم بخورند. درس و مشق نیمه کاره رها می شود، کودک در کنار پدر و مادرش در تولید جایگاه خود را می یابد. مگر راهی دیگری هم هست؟

اما تو که در مدرسه مانده ای، چه می آموزی؟ می آموزم که نیاومزم، می آموزم که نیندیشیم، می آموزم که "شهید" شوم. اما اگر "شهید" نشوی خواهی آموخت. از زندگی خواهی آموخت. منطق زندگی چنین است.

در کوچه چه خبر؟ بازی می کنی؟
بقیه در صفحه بعد

کارش را به خود و به خانواده اش "بفروشد". عمدتاً در روستاها چنین است. نانخور باید نان آور باشد. ظاهراً همه چیز قانونی است. اما ظاهر قضیه چنین است: او نیروی کارش را به نظامی می فروشد که بر او داغ لعنت کوبیده است. او باید چنین کند. باید راهی مزرعه و کارگاه شود، در خیابان سیگار و روزنامه بفروشد، و یا به بند تکدی پدر و مادر را تکمیل کند. در غیر این صورت از نان نمی تواند خبری باشد.

بخش مهمی از نیروی کار در کارگاه های کوچک را کودکان تشکیل می دهند. ابتدا کارش آب و بار و کردن است. بعد پشت دستگاه می رود و اگر دستگاه لت و پاره اش نکند، برای یک عمر ضمیمه آن می شود. کودکان کارگران به کودکان کارگر تبدیل می شوند. قاعده چنین است. نظام چینی سرمایه داری، از قبل جایگاه و سرنوشته او را تعیین کرده است.

خوش به حال تو که به مدرسه راه یافتی، اما در مدرسه چه خبر؟ مدارس منوربه اند، در هر کلاس هفتاد هشتاد نفر را می چنانند و به ما زنجیره کردن را می آموزند. آخر ما باید خودمان را برای "شهادت" آماده کنیم! امور تربیتی، انجمن اسلامی، بسیج دانش آموزی، طرح پاسدار - دانش آموز ... همه و همه وتلیفه مقدمشان کشاندن کودکان و نوجوانان به کام عفریت جنگ است. در اردیبهشت ماه سال گذشته وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی اعلام کرد که تنها در سال ۶۴، بیش از

می شوند. کیهان ۲۶ اردیبهشت ماه امسال در گزارشی از روستاهای سیستان و بلوچستان نوشته است: "بچه ها به طور کلی ۹۰ درصد بی سواد بازمی آیند و ۱۰ درصد بقیه هم چنانچه امکاناتی برای رفت و آمد به شهر داشته باشند می توانند به تحصیلات خود ادامه بدهند."

در ایران، کودکان خرید و فروش نیز می شوند. فاطمه ۷ ساله بود و زهرا خواهر کوچکتر او ۵ ساله که پدرشان آنها را در دفتر خانه اسناد رسمی ۲۹ اسفراین به صاحب یک کارگاه قالی بافی فروخت. پدر بچه ها

حیات خود با گرسنگی آشنا می شود. سو تغذیه جسم بیمار را برای پذیرفتن بیماریهای مختلف چه در همان سنین کودکی و چه در آینده آماده می سازد. روان پژمرده، مکمل جسم پژمرده می گردد. در کشور تغذیه خوانی و عزاداری نغمه های کودکان نیز به مرثیه خوانی تبدیل می شود. بازی؟ آری کودکان بهر حال بازی می کنند، اما به قول اهالی اسلام شهر "در میان زباله ها" (کیهان - اول اردیبهشت ۶۴).

کودک برآمده است. از دست سرخک و سیاه سرفه و بیماریهای عفونی



این است شمره چنگ برای کودکان. در توجیه این امر گفته است: "خوب، وقتی که من نمی توئم نان و آب این بچه ها را تهیه کنم، پس چه خاکی باید به سرم بریزم. بهتر از اینه که جلو چشم از گرسنگی بربر بزنم. لااقل اونجا به تکه نان خشک برای خوردن که گیرشان می آد." این حکایت دردناک و تکان دهنده در کیهان ۷ بهمن سال گذشته بازتاب یافته است. اما فروش نیروی کار کودکان تنها به این اشکال محدود نمی شود. قاعده آن است که کودک نیروی

آورگی، تکه تکه شدن، گرسنگی کشیدن ... جان سالم به در برده و اکتفون شش ساله شده است. سرنوشته برخی هارون است: شاید یک سالی باشد که بر روی دار قالی نشسته اند. بقیه چی؟ به مدرسه می روند؟ آمار دولتی حاکی است که از هر ۱۰۰ کودک ایرانی، ۲۰ نفرشان نمی توانند حتی خواندن و نوشتن یاد بگیرند. از هر ۱۰۰ نفر که به دبستان راه پیدا می کنند، فقط ۵۰ نفر می توانند به دوره راهنمایی برسند. در روستاها و مناطق محرومتر کشور چنین ارقامی به مراتب درشت تر



کودک تبارش را در آغوش می فشارد و لعله شماری می کند، شاید وسیله ای در جاده پیدا شود تا او بتواند طفل بیمار را به طبیب و درمان برساند.

به مناسبت ۱۱ خرداد (اول ژوئن) روز جهانی کودک

وضع کودکان، آینه تمام‌نمای یک جامعه

بقیه از صفحه آخر

کودکان منهدم گردند. در کشورهای سرمایه‌داری در روز کودک داغ ننگ بزرگ چهره نظامی می‌کوبند که به جای نامیدن سعادت نونهالان آنها را انتقاد می‌کند و از شادمانی محروم می‌سازد.

بهره‌کشی از کودکان

وحشیانه‌ترین نمود

استثمار سرمایه‌داری

به راستی که استثمار سرمایه‌داری بهر همانندترین و خشن‌ترین نمود خود را در بهره‌کشی از کودکان نشان می‌دهد. ما در میهن خود با این‌گونه جنایات در حق جوانه‌هایی که نشکفته بزرده می‌شوند به اندازه کافی آشنا هستیم. آن دختر کوچک قالی باف که در کارگاه‌های نهر و تارک شیره جان‌ساز در نقش‌ونگار فرش می‌ریزد، آن پسر بچه‌ای که به جای

نشستن در کلاس درس پوستن در حرارت طاقت‌فرسای کوره آجرپزی تاول می‌زند، آن دهقان زاده‌ای که با سبیدی سحر تا شب‌جان می‌کند، آن کودکی که برای چند ریال در کوچه و خیابان به دستفروشی مشغول است، همه و همه ما را با چهره کزبه نظام بهره‌کشی انسان از انسان روبرو می‌سازند.

اما تصور نکنیم این رنج‌هایی که کودکان ما می‌کشند تنها ناشی از فلاکت و بحران اقتصادی کنونی است. سرمایه هر جا که هست همین استحقاق در پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی.

در آمریکا، ۸۰۰ هزار کودک به کار سخت کشاورزی مشغولند و برای کاری که از طلوع آفتاب تا پاسی از شب ادامه می‌یابد کمترین دستمزد را می‌گیرند. در بریتانیا، ۲۰ درصد قربانیان سوانح کشاورزی کودکان زیر ۱۵ سال هستند. در فرانسه، یونان، ایتالیا، اسپانیا و پرتغال نیز کودکان کارهای سخت بدنی انجام

فرزندان رنج

بقیه از صفحه قبل

آری همچنان در کوچه‌های تنگ و باریک شهرها، و فضای آزاد "زباله‌ها". برای خرید توپ فوتبال هم باید از مسجد تاییدیه داشت، فرم بزرگ و مورد سنج قرار گرفت تا توپ فوتبال به نرخ دولتی گیرت بیاید. (اطلاعات ۱۲ آبان ۶۲)

و سوالی مهمتر: در خانه چه می‌کنی؟ حقوق کودکان قبل از هر چیز با حقوق مادران و زنان گره خورده است. دیگر جایی برای سوال باقی است؟

کودکان خود تشکیل خانواده می‌دهند. دختران ۹ ساله، به شوهر داده‌شان شرعی و قانونی است.

حق کودکان در قانون چیست؟ کودکان در قوانین جمهوری اسلامی انسان به حساب نمی‌آیند. قانون قصاص به عنوان قانون پایه در نظام حقوقی اسلامی اعلام می‌کند: "هرگاه پدر یا جد پدری، فرزند خود را بکشد، قصاص نمی‌شود." و یا "هرگاه بالغانی نابالغانی را بکشد، بهتر است اولیای

دم، برای احتیاط شرعی، از قصاص صرف‌نظر کنند و به دیه راضی شوند." یک کودک را بکش و متلا یک شتر به اولیای دم بده! شرع انور از دستت راضی است.

اما بخند! تویی که زندگی در وجود تو تبلور می‌یابد. رنج می‌کشیم و رنج خود به ما می‌آموزد که به این مصایب پایان دهیم. چنین بوده است اما چنین نخواهد ماند. ۱۲ آبان‌های دیگری در پیش است. بخند! روز تو فرارسیده است، روزگار تو نیز خواهد رسید. ۱۱ خرداد روز جهانی کودک بر تو مبارک؛ بر تو که از گرسنگی می‌گویی، بر تو که تن رنج‌بورت از دستی شغاب‌بخش به دور است، بر تو که عمالکون در مزرعه و کارخانه و خیابان، رنج را با انگشتان لاغر می‌آزمایی و بر تو که در میدانهای مین تنگ می‌شوی و ۱۲ آبان‌های فردا را نخواهی دید.

می‌دهند تا به امرار معاش خانواده کمک کنند. در بازار مشترک اروپا، ایتالیا همه روزه‌ها را نکسته است. طبق آمار سندی‌گاه‌های این کشور ۵۰۰ هزار کودک به ویژه در ناحیه نابل در صنایع فساجی و جرم و نیز تولید قطعات اتومبیل و سایر صنایع اشتغال می‌شوند. در اندونزی حداقل ۲ میلیون کودک زیر چهارده سال از فرط فقر خانواده مجبور به کار کردن هستند.

در آمریکا جنوبی ۳۵ میلیون کودک در خیابان‌ها زندگی می‌کنند. از هر پنج کودک یکی عمرگز به نرسه نمی‌رود. این رقم در مناطق روستایی بالاتر است. طبق آمار سال ۱۹۸۵ سازمان بین‌المللی یونیسف، ۷۰ درصد کودکان اکوادوری در "موقعیت خطرناک و ضرری به سر می‌برند. از هر هزار کودک بین ۲۰ تا ۳۰ تن در همان سال اول زندگی می‌میرند. در هر ۹۰ دقیقه یک کودک اکوادوری بر اثر ابتلا به اسهال جان می‌سپارد. جهل در صد کودکان زیر هرسال از سوء تغذیه رنج می‌برند.

آنگاه که کودکان "طبقه ممتاز"ند

آیا در کشورهای سوسیالیستی طبقه ممتازی وجود دارد که همه گروه‌های دیگر مردم باید در خدمت آن طبقه باشند؟ آری، کودکان!

در اتحاد شوروی در هر دقیقه ۱۰ کودک چشم به جهان گشاییند. به چه جهانی؟ ۲۴ هزار تخت در ۱۰۸۰۰ زایشگاه آماده پذیرش مادران است. عیون شوروی به طور متوسط ۲/۲ فرزند به دنیا می‌آورد. در کشورهای سرمایه‌داری که از لحاظ سطح پیشرفت اقتصادی با اتحاد شوروی قابل مقایسه اند این رقم بسیار پایین‌تر است (در اغلب کشورهای پیشرفته

صنعتی غرب این رقم به ۲ نمی‌رسد) زیرا در این کشورها برای یک خانواده داشتن فرزند با محوریت اقتصادی همراه است.

برای کودکان شوروی ۱۴۱ هزار مدرسه وجود دارد. ۱۲۱۱۵ مدرسه حرفه‌ای و ۴۴۲۷ مدرسه فنی عمده با ۸۹۰ دانشگاه راه تحصیل را بسرای سازندگان فرد فراهم می‌سازند. بیش از یک چهارم کل بزرگان بر اتحاد شوروی زندگی می‌کنند و قبل از همه بر خدمت کودکان قرار دارند.

در کشور آسیای مغولستان زنانی که چهار فرزند و یا بیشتر به دنیا آورند می‌توانند در سن ۵۰ سالگی بازنشسته شوند. این مادران از حقوق استفاده رایگان از آسایشگاه و خانه‌های بیلابیلی برای یک بار هر سال بهره‌مندند.

در همه کشورهای سوسیالیستی دولت مسئولیت تامین زندگی کودکان و خانواده‌ها را بر عهده دارد. اما فراتر و مهمتر از این در این کشورها مادران و پدران خدمت به میهن سوسیالیستی اعلام شده است و جلایه به تربیت فرزند بعنوان کاری بر افتخار می‌نگرد و بدان ارجح می‌گذارد.

در آنکولا عزیزم تمرکز نیروهای مداخله‌گر و مزدور امپریالیسم آمریکا و رژیم آپارتاید برای درهم شکستن انقلاب حکومت مردمی بوده و امکانات زیادی برای حمایت از کودکان اختصاص داده است. تحصیلات عمومی و رایگان به اجرا گذاشته می‌شود. در فرانسه‌ترین مناطق مدرسه برپا می‌شود. برای نخستین بار در سال گذشته کتابهای درسی در این کشور به چاپ رسید. سازمان کودکان پیشاهنگ آنکولا بیش از یک میلیون عضو دارد. در صفوف این سازمان کودکان از نخستین سالهای زندگی روحیه جمعی و پیشرو بیشتر بودن را می‌آموزند.

آری، "امروز" جهان در وضع کودکان که هم‌زمانی آن را خواهند ساخت جلوه گر است.

دستم بگرفت و پایه پا برد / تاشیوه راه رفتن آموخت



حقوق کودکان در درجه نخست با حقوق مادران و زنان گره خورده است

تابیلوی "شادمانی نخستین گامها"
اثر مدات کاکاروف

توصیه «خیرخواهانه» اعمال شاقه برای زنان

کارهای شستشو، اطو کردن، پخت و پز و خیلی هایشان به کمک برق انجام گرفت، بیماری و ضعف وستی بیشتر شد که این خود مساله ایست!

مجله دنیای ورزش - ۲۲ اسفند ۶۵

حجت الاسلام قرائتی مسئول "سوادآموزی" و یکی از آخوند - دلگشای تلویزیون خمینی:
"متأسفانه از زمانی که کارهای پدی در خانه ما کم شد، زنها بیشتر از معمول مریض شدند. یعنی از بس که

چهار سال زندان برای ۱۱ هزار قتل!

می گرفت. تبهکارانی که روپوش سفید پزشکی می پوشیدند، هزاران تن را به قتل می رساندند.

دو پزشکی که اخیراً در فرانکفورت محکوم شدند، در سال ۱۹۴۰ عهده دار مسلولیت یکی از بزرگترین مراکز نگهداری قربانیان رژیم هیتلری بودند. قضاوت دادگاه آلمان فدرال طبق روال همیشگی نظام قضایی این کشور که نسبت به جنایتکاران نازی نظر "لطف و عنایت" دارد، این دو تن را تنها به چهار سال زندان محکوم کرد و آنها را مشمول "عدم اختیار در اجرای دستور" دانست. این قضاوت، مورد اعتراض گسترده نیروهای ترقیخواه آلمان فدرال قرار گرفت.

اخیراً در فرانکفورت (آلمان فدرال) محاکمه دو پزشک که در هنگام حکومت فاشیستهای هیتلری، هزاران انسان بیگناه را تحت عنوان بیماران روانی به قتل رساندند، به پایان رسید. دادگاه، آکویلین اولریش و هایزیش بونکه را به ترتیب در شرکت در قتل ۴۵۰۰ و ۱۱ هزار تن مقصر شناخت و - خوب دقت کنید - به چهار سال زندان محکوم کرد!

فاشیستهای هیتلری در ایدئولوژی ضد بشری و نژادپرستانه خود برای کسانی که از نظر آنها منتهر "زندگی بی ارزش" قلمداد می شدند، حق حیات قائل نبودند. از این رو، در مراکزی که بیماران روانی و یاکسانی تحت عنوان بیمار روانی زندانی شده بودند، جنایات بی شماری انجام

برای کودکان زحمتکش تا آن حد که قابل ذکر باشد، شعری سروده نشده است و نیز داستانی نگارش نیافته. کودکان در میدانهای مین تکه پاره می شوند و هنوز فریادشان به گوش ادبیات ایران نرسیده است. جای تأسف بسیار است. در روز کودک به شعری از بیروین اختصاصی بسنده می کنیم.

ادبیات کودک در ایران با درخشش ستاره تابناکی همچون صد بهرنگی چشم انداز نویلی یافت. در این زمینه همچنان جای هزار کار باقی است و نیز در زمینه ای هسته با آن؛ حضور کودکان در ادبیات بزرگسالان. در این عرصه از بیروین اختصاصی به بعد تقریباً کاری صورت نگرفته است.

طفل یتیم

کودکی کوزه ای شکست و گریست چه گم ، اوستاد اگر برسد زین شکسته شدن ، دلم بشکست چه گم ، گر طلب کند تاوان گر نکوش کند که کوزه چه شد کاشکی دود آه می دیدم چیزها دیده و نخواستم روی مادر ندیده ام هرگز کودکان گریه می کنند و مرا دامن مادران خوش است ، چه شد خواندم از شوق ، هر که را مادر از چه یکدوست بهرمن نگذاشت دیشب از من ، خجسته روی بتافت من که دیسا ندانم همه عمر طوق خورشید ، گر زمره بود لعل من چیست ، غمدهای دلم اشک من ، گوهر بنا گوشت کودکان را کلیج هست و مرا جامد ام را به نیم جو نخرند ترسم آنگه دهند بیرهنم کودکی گفت : مسکن تو کجاست رقبه ، دانم زدن بجامه ، خویش خوشای جسد می توانم چید درسه ایم نخواننده ماند تمام همه گویند پیش ما منشین بریلاسم نشانده اند از آن نزد استاد فرش رفتن و گفت هیکل نامم قضا زنده همی من نرفتم به باغ با طفلان گل اگر بود ، مادر من بود گل من ، خارهای پای من است اوستادم نهاد لوح به سر من که هر خط نوشتم و خواندم پشت سر اوفتاده ، فلکسم مزد بچمن همی ز سن خواهند چرخ ، هر سنگ داشت بر من زد چه گم خانه زمانه خراب

اسباب بازی در مسیر جناب

هنرمندانمان در مسیر جنگ قرار بدهند و رادیو تلویزیون بهتر است که برنامه های کودک ، بیشتر هنر خود را در مسیر جنگ قرار بدهد. - رسالت - ۱۲ فروردین ۶۶

آیت الله صانعی در نماز جمعه قم : "فلکی را که آموزش و پرورش درست کرده و به بچه ها داده بود ، به صورت تانک یعنی یک وسیله جنگی است. باید اسباب بازی بچه ها را

مجموع مسکن ساخته شده در ۲۰ سال قبل از آن یعنی از زمان تشکیل جمهوری خلق چین، بیشتر است. در حال حاضر ۱۷/۸ متر مربع مسکن برای هر نفر از سکنه روستاهای چین وجود دارد.

علیرغم دستاوردهای نمایان کشاورزی چین، هنوز بخش قابل ملاحظه‌ای از دهقانان نمی‌توانند خانواده خود را از نظر مواد غذایی و سوخت بقدر کافی تامین کنند. بر طبق آمار رسمی ۵۰-۶۰ میلیون نفر عمدتاً در مناطقی که محل زندگی اقلیت‌های ملی است در زیر خط فقر قرار دارند.

همیستم برنامه ریزی تطبیقی

رفرم کشاورزی متضمن جانسین کردن برنامه ریزی تطبیقی به جای برنامه ریزی متمرکز از طریق الزام است. در گذشته، دهقانان موظف بودند سهمیه غله‌ای را که از بالا برایشان مقرر شده بود تولید کنند. آن‌ها تمامی محصول خود را به دولت تحویل می‌دادند و سهم خودشان را از یک انبار مرکزی که موجودی‌اش از مازاد محصول نسبت به برنامه پیش بینی شده تشکیل می‌شد، دریافت می‌کردند. در اواخر دهه ۷۰، بعد از معمول شدن سیستم کنفرانس‌های خانوادگی، حق دهقانان برای فروش محصول مازادشان در بازار آزاد و به نرخ بازار، و همچنین حق استفاده از یک قطعه زمین بر طبق قرارداد که با صلاحدید خودشان، با شرط الزامی تامین سهمیه مقرر برای فروش به دولت بسته می‌شود، تضمین گردید.

عملکردهای ارگان‌های برنامه ریزی مرکزی و استانی تغییر کرده است. آن‌ها دیگر موظف نیستند جزئیات سهمیه‌های تولید را تعیین کنند. به عوض آن، این ارگان‌ها تنها برنامه‌های درآمدت پنج‌ساله و با بیشتر برای آینده را طرح ریزی می‌کنند. اکنون وظیفه آن‌ها تجزیه و تحلیل گرایشهای بازار و تعیین نیازمندی‌های غذایی اهالی است.

نتیجتاً، برنامه دولتی برای میزان محصول کشاورزی‌ها نه بر مبنای فرامین مصوبه ارگان‌های برنامه ریزی از بالا، بلکه بر مبنای اطلاعات دریافتی از روستا، نظرات تولید کنندگان و نیازمندی‌های بازار، و با در نظر گرفتن اهداف نهایی تولید مطابق نیازمندی‌های دولت، تدوین می‌شود.

سیستم کنتراتی فروش غنم مهمی از برنامه ریزی تطبیقی را تشکیل می‌دهد. قرارداد بین سازمانهای محلی خریدار و خانواده‌های دهقان قبل از آغاز فصل کشت منعقد می‌شود. قرارداد، میزان و کیفیت محصولی را که باید تحویل شود، قیمت آن، و مقدار تحویل کودها، شیمیایی، مواد شیمیایی، سوخت گازوئیل (در صورت استفاده از تراکتور) و سایر محصولات صنعتی به قیمت‌های ثابت، و همچنین



کامیونهای مستعمل تعمیر شده و به دهقانان فروخته می‌شود

زیرساخت اقتصادی کشور با زتاب می‌یابد. تاثیرات این اصلاحات در عرصه اقتصادی و در عرصه اجتماعی و فرهنگی یکسان نیست و حتی با هم در وجه روشنی زاویه می‌یابند. از همین روست که سرنوشت و جهت این اصلاحات را در درجه نخست سیاست رهبری کننده تعیین می‌کند.

در مقاله‌ای که در زیر می‌خوانید به جنبه‌های مهمی از رفرم کشاورزی آغاز شده از اواخر دهه هفتاد و برخی از وجوه و پیامدهای اجتماعی این کورس تازه - که باید مورد توجه و دقت ویژه قرار گیرند - اشاره شده است و از نظر اطلاعات عینی و روشن آن سودمند است. این مقاله به توسط گریگوری آرسلاووف خبرنگار خبرگزاری تاس در پکن نگارش یافته و در شماره سوم امسال هفته‌نامه شوروی "عصر جدید" درج گردیده است.

وضعیت امروزین روستاهای چین

افزایش قیمت محصولات صنعتی، کالاهایی که در تولید بکار می‌روند، سوخت و کودهای شیمیایی کند شده است، سلج زندگی دهقانان در اثر رفرم کشاورزی دائماً در حال افزایش است. بررسی وضعیت اقتصادی، ۶۷۰۰ خانوار دهقانی در سرتاسر کشور (بدون ثبت، که با به حساب آوردن آن میزان متوسط کاهش قابل ملاحظه‌ای خواهد یافت) نشان داده است که درآمد سرانه در روستاهای چین در ۹ ماهه اول سال ۱۹۸۶، ۲۵۴/۱۷۱ یوان (در حدود ۷۰ دلار)، یعنی ۲۴/۱ یوان بیش از مدت مشابه در سال ۱۹۸۵ بوده است. اما اگر در سال ۱۹۸۵ آهنگ رشد، ۲۹/۲ درصد بود در سال ۱۹۸۶ به ۱۰/۵ درصد کاهش یافت (با محاسبه افزایش قیمت‌ها، حتی به ۶/۲ درصد).

روزنامه‌های چینی کمتر شدن محصول غله از برنامه پیش بینی شده را ناشی از شرایط نامساعد جوی در بعضی مناطق طی سال گذشته می‌دانند. "دورونگشن" رئیس انجمن دولتی مرکز تحقیقات پیشرفت روستایی چین در مجله هونگ‌کی اذعان داشت که علت دیگر این امر کاهش علاقه دهقانان به کشتکاری است. کارهای جنبی کشاورزی، و کارهای صنعتی روستایی سود سریع تری نسبت به کشت محصول می‌دهد و در نتیجه دهقانان مایلند به این عرصه‌های سودآورتر رو آورند. در پایان سال ۱۹۸۵ بیش از ۶۰ میلیون دهقان در عرصه‌هایی غیر از تولید کشاورزی فعالیت می‌کردند.

با این همه، رشد کشاورزی، و از جمله صنایع کشاورزی، و افزایش تولید کالایی در روستا به خودی خود باعث فراوانی مواد غذایی یا کاهش قیمت کالاهای مصرفی نشده است. اوایل نوامبر ۱۹۸۶ قیمت شیر و لبنیات - و در نتیجه قیمت بسیاری از مواد غذایی - در پکن تقریباً ۵ درصد افزایش یافت. با وجود این، تقاضا برای محصولات کشاورزی، در پایتخت بسیار بیشتر از عرضه آن است و این خود منجر به افزایش بازار هم بیشتر قیمت‌ها می‌شود.

ساختمان مترمربع مسکن در مناطق روستایی اخیراً پیشرفت داشته است. از ۱۹۷۹ تا کنون ۴۲/۶ میلیارد مترمربع مسکن در روستاهای چین ساخته شده است (از جمله محله‌های اقامت کارگران)، که نسبت به

جمهوری خلق چین در حال آزمودن یک روند اصلاحی از نوع خود است. از آنجایی که چین به لحاظ ترکیب اجتماعی و کیفیت وضعیت اقتصادی خود همچنان یک کشور دهقانی است، رفرم کشاورزی که در اواخر دهه هفتاد آغاز شد و تغییرات بسیاری در روستاهای این کشور پدید آورد، در مراتب نخست و ثانوی اصلاحات اقتصادی و اجتماعی تازه قرار دارد. بنیاد این اصلاحات را گسترش تولید کالایی و آزاد گذاشتن نسبی مکانیسم بازار تشکیل می‌دهد. بی‌گمان برای رشد اقتصادی چین، انجام اصلاحات از جمله به با کار گرفتن اهرم تولید کالایی، اگر با کنترل ویژه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با توجه اکید به بی‌آمدهای خاص به کار گرفتن این اهرم صورت گیرد، ضرورت دارد. از زاویه‌ای فرادیدی و ناظر بر کلیت اقتصاد چین - آنسان که در ارقام شاخص کل تولید و درآمد ملی و سرعت رشد صنایع و

کنفرانس سرتاسری چین در مورد مسایل مربوط به کشاورزی که در پکن تشکیل شد نتایج اولیه سال گذشته کشاورزی در کشور را جمع بندی کرد. محصول ناخالص تولیدات کشاورزی نسبت به سال ۱۹۸۵، ۴/۴ درصد بالاتر بود و محصول غله به حد ۲۹۰ میلیون تن (۱۰ میلیون بیش از ۱۹۸۵) رسید. در عین حال خاطر نشان گردید که تولید غله، پنبه و نیشکر از میزان برنامه ریزی شده کمتر بوده است.

دستاوردهای رفرم

بازسازی، مکانیسم مدیریت اقتصادی در روستاهای چین با جمعیتی بیش از ۸۰۰ میلیون نفر بطور محسوس نتایج خوبی به بار آورده است. محصولات غذایی، محصولات غیراساسی و مواد خام برای صنایع سبک، بطور چشمگیری افزایش یافته است. در مجموع، رفرم شرایط مناسبی برای رشد بیشتر اقتصاد ملی فراهم آورده است.

انتقال تدریجی از تولید نیمه طبیعی به تولید کالایی در کشاورزی موجب رشد فزاینده تقاضا برای کالاهایی که فرآورده بخش صنعت هستند، از سوی واحدهای مجزای اقتصاد معیشتی دهقانی گردیده و بازار محصولات صنعتی را به نحو بیسابقه‌ای افزایش داده است.

بخش کشاورزی شاهد دگرگونی‌هایی کیفی است؛ شرایط تولید بهبود می‌یابد، رفاه و سطح فرهنگی دهقانان ارتقا پیدا می‌کند و کشاورزی پیشرفته اشاعه می‌یابد.

علیرغم رشد سریع صنعت، بویژه صنایع سبک، کشاورزی همچنان پایه اقتصاد چین را تشکیل می‌دهد. گواه چنین امری از جمله این است که درآمد دولت از داد و ستد محصولات کشاورزی در داخل کشور و پول نقد بدست آمده از صادرات این محصولات سال به سال افزایش می‌یابد. تنها در سال ۱۹۸۵ روستاهای چین ۱۸/۸۲ میلیارد یوان به عنوان مالیات‌های مختلف به دولت پرداخته‌اند. این رقم ۲/۱ برابر بیش از این رقم در سال ۱۹۷۸ یعنی قبل از معمول شدن کنفرانس‌های خانوادگی در کشاورزی است.

اگر چه اخیراً آهنگ رشد درآمد آن‌ها به علت

روستایی است در ۷۰۰ ناحیه از ۲۰۰۰ ناحیه تاسیس شده است. عملکرد این مراکز متکی به خود تنها منحصر به ارائه خدمات فنی به دهقانان نیست، آن‌ها مبلغ و مروج انواع پرحاصل محصولات کشاورزی بوده و مشورت‌های بسیار سودمندی در تمام موضوعات مربوط به تولید کشاورزی عرضه می‌کنند. در نواحی پیشرفته‌تر مراکز ماشین و تراکتوری وجود دارد که بر طبق کنترلات زمین را شخم می‌زنند و محصول را درو می‌کنند.

به نظر متخصصین چینی، رشد و تکامل تولید کالایی به کارآمدتر شدن کشاورزی و همچنین، به ساختن پایه‌های ضروری برای رشد و تکامل صنایع روستایی که برای حل معضل اشتغال در روستاها ضرورت حتمی دارد، کمک می‌کند.

روزنامه جین جی ریپابلیک می‌نویسد: «سایبل مربوط به تخصصی کردن کشاورزی، ترغیب تولید کالایی با برنامه، کم کردن شکاف بین صنایع و کشاورزی و بین شهر و روستا تنها می‌تواند بوسیله ایجاد موسسات صنعتی گوناگون روستایی به خرج خود دهقانان حل شود. دولت عملاً به هیچ وجه در وضعیتی قرار ندارد که پولی برای ساختن چنین موسساتی اختصاص دهد تا بتواند برای دهقانان شغل ایجاد کند.»

از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲ میزان محصول موسسات صنعتی روستایی به مجموع ۵۶/۹ میلیارد یوان رسید. این موسسات توانسته‌اند بعد از کسر هزینه‌های تولید ۱/۴ مینارد برای خرید ماشین‌آلات، انجام کارهای تکنیکی کشاورزی، و پرداخت به دهقانانی که بکار کشت مزارع و دام‌پروری اشتغال داشته‌اند اختصاص دهند.

آمارهای رسمی حکایت از آهنگ سریع شهری شدن روستاها، چین دارد. در سال ۱۹۸۶ تولید ناخالص صنایع روستایی از تولیدات ناخالص کشاورزی به لحاظ ارزش پیشی گرفت. کارخانه‌های روستایی ۷۶ میلیون نفر را که در کشاورزی نیز کار می‌کنند در استخدام خود دارند. این مقدار تقریباً ۲۰ درصد تمامی نیروی کار در روستاهای چین را تشکیل می‌دهد.

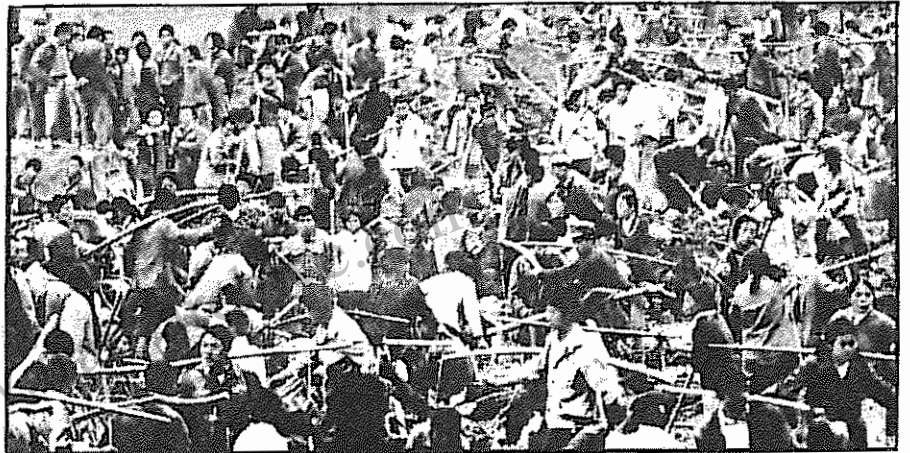
اغلب محصولات کارخانه‌های روستایی در روستاها بفروش می‌رسد و بخش مهمی از سود آن‌ها در جهت رشد و تکامل کشاورزی به کار می‌افتد.

زندگی در روستاهای چین هنوز روال ثابتی نگرفته است. مطالبه موثرترین راه‌ها برای سرعت بخشیدن به رشد تولید کشاورزی ادامه دارد.

مرحله اول رفرم کشاورزی، یعنی توزیع زمین بین خانواده‌های دهقانان، نسبتاً با آرامی طی شد. در آن مرحله، رفرم بطور موثری، منجر به احیای اقتصاد طبیعی خرد که برای دهقانان چنین آشناسات گردید. در نتیجه، کارکنان محلی و دهقانان خیلی سریع خود را با "ابداعات" وفق دادند.

تصور می‌رود که مرحله دوم رفرم، مرحله معمول کردن انواع اشکال کشاورزی کلکتوریاتی باشد. مثلاً، تشریح نونگ مین ریپابلیک می‌کند که بیش از ۷۶ درصد از دهقانانی که در استان هوبیبه مورد سؤال قرار گرفته‌اند از کلکتوریاتی شدن کشاورزی، بویژه در عرصه مالی، مکانیزه کردن کشاورزی و ساخت سرمایه حمایت کرده‌اند. همین تشریح از قول مخالفین کلکتوریاتی کردن کشاورزی، می‌نویسد که این کار ممکنست به احیای برابری پرداخت‌ها منجر شود. این امر همچنین از طرف "خانواده‌های دهقانی پر درآمد" نیز که سودهای عده‌ای در شرایط کلکتوری می‌برند، با مخالفت روبرو می‌شود. ●

صنایع کشاورزی، منوط به حل مساله ارتقای سطح فرهنگ و معارف عمومی در دهقانان است. آخرین سرشماری عمومی نشان داده است که ۲۰ درصد جوانان و میان سالان روستایی با بکلی بی‌سواد یا نیمه سواد هستند. (تنها ۲ درصد از جمعیت صد و چند میلیونی استان سی‌چوان در کشاورزی، دام‌پروری و با ماهیگیری تخصص دارند.) طی چند سال گذشته، از زمانی که مزارع یا قطعات زمین بطور کنترلاتی به کشاورزان واگذار شده، نوجوانان بسیاری برای کمک به پدر و مادرانشان مدارس را ترک کرده‌اند. در طی هشت سالی که از آغاز رفرم کشاورزی، می‌گذرد قطب‌بندی دهقانان از نظر میزان دارایی بطور مداوم در حال افزایش بوده است. "ساله "ثروتمند شدن بخش‌هایی از دهقانان" در مطبوعات مورد بحث قرار گرفته است. بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند که این پدیده‌ای قابل قبول است. عمل بعضی دهقانان در بکارگیری کار مزدوری در قابل قبول بودن این وضعیت تردید ایجاد کرده است، اگر چه با توجه به میزان بالای بیکاری موجود، این پدیده نیز



اهدات یک جاده روستایی

وجه مثبتی از رفرم تلقی می‌شود که موجب فراهم آوردن مشاغل اضافی و تشویق تولید کالایی می‌گردد. کارگران کشاورزی و مزدبگیران نه تنها توسط دهقانان غیر حزبی بلکه توسط اعضای حزب کمونیست چین نیز به خدمت گرفته می‌شوند. رهنمودهای صادره در این رابطه می‌گوید در هنگام دایر شدن سازمان‌ها، حزبی روستایی، اعضا، در مورد کارگر مزدور گرفتن ملزم به رعایت دسیسلینی نمی‌شوند.

شهری شدن

از زمان تصویب قانون اسامی جدید سیستم مدیریت اجرایی در روستا کاملاً تغییر یافته است. قبل از رفرم ۵۴۰۰۰ کمون خلق و ۲۸۰۰۰ بنگاه وجود داشت. روسای کمون‌ها و بنگاه‌ها تحت کنترل کامل دولتی، حزبی و اقتصادی قرار داشتند. بعد از رفرم ۹۱۵۹۰ ارگان اجرایی منطقه‌ای، منطقه ملی و بنگاه‌های در روستاها تاسیس شد؛ ۲۱۴۴ ارگان منطقه ملی حفظ شد و یا دوباره تاسیس گردید و تعداد بنگاه‌ها به ۹۱۴۰ عدد افزایش یافت. دگرگون کردن ساخت ارگان‌های اجرایی محلی در روستاها بخشی از رفرم مربوط به ساخت سیاسی اجرایی کشور است. ابداعات بسیاری در روستاها، چین صورت گرفته است، که اغلب آنها به عرصه تولید مربوط است. مراکز خدمات فنی که در خدمت خانواده‌های

میزان اعتباراتی را که از قبل در اختیار دهقانان قرار خواهد گرفت، معین می‌کند. دهقانان طبق قرارداد موظفند قبل از هر چیز سهمیه محصولات کشاورزی برای فروش به دولت را تامین کنند. در این مورد اغلب، منافع دهقانان و دولت با هم برخورد پیدا می‌کند. طبقاً دهقانان ترجیح می‌دهند چیزهایی تولید کنند که در بازار سود زیادی عایدشان می‌کند. مثلاً طی چند سال گذشته میزان محصول پنبه سریعاً افزایش یافت که منجر به انباشت مقادیر اضافی آن گردید. دولت قیمت خرید آن را در ابتدای سال ۱۹۸۵ کاهش داد و دهقانان بلافاصله این کار را با کم کردن مقدار محصول به میزان یک سوم آن در سال ۱۹۸۴، هنگامی که پنبه بدست آمده به شش میلیون تن رسید، پاسخ دادند (در چین میزان محصول پنبه را بر مبنای مقدار نرخ تاییده شده اندازه می‌گیرند، نه بر مبنای پنبه خام).

با حذف برنامه‌ریزی متمرکز از طریق رهنمود الزام، پیوندهای اقتصادی بین دولت و میلیون‌ها

دهقان باز هم نزدیک‌تر شده است. رابطه متقابل آن‌ها نه بوسیله الزام و دستور بلکه بوسیله مکانیسم اقتصادی تنظیم می‌شود. اگر دهقانی وظایف را خوب انجام ندهد، دیگر در یک گروه آبی مورد انتقاد قرار نمی‌گیرد. عدم توفیق در اجرای مفاد قرارداد او را از حق خرید کود شیمیایی، سوخت گازوئیل و کالاهای مصرفی به قیمت‌های ثابت محروم می‌کند. اکنون قیمت بازار این کالاها چندین برابر بیشتر است.

کارزائد

معمول شدن سیستم کنترلات‌های خانگی موجب زائد شدن نیروی کار گردیده است. بر طبق تخمین اقتصاددانان چینی، ۱۰۰ میلیون از ۲۰۰ میلیون نفر اهالی قادر به کار در روستاها شغل معینی ندارند. رشد طبیعی جمعیت و افزایش بهره‌وری کار این معضل را به‌ویژه حاد می‌سازد. متخصصین چینی معتقدند که راه حل این مسئله سرعت بخشیدن به روند شهری شدن است. منظور آن‌ها نه انتقال کارکنان زائد روستایی به شهرها، بلکه کانالیزه کردن این توده عظیم مردم به کارها، تولیدی غیر کشاورزی در خود روستاهاست، که باید در آنها موسسات صنعتی و شهرکهای کارگری بنا شود. تهیه شغل برای بیکاران از طریق رشد و گسترش

اجلاس سران کشورهای امضاکننده پیمان ورشو

بقیه از صفحه اول

سال گذشته خود که در فراخوان بوداوست بازتاب یافت، در مورد موشکهای هسته‌ای تاکتیکی خواهان محو این موشکها همزمان با کاهش سلاحها و نیروهای غیرهسته‌ای گردید. این پیشنهاد خاطر نشان می‌سازد "عدم تقارن" ها در عرصه انواع گوناگون سلاح باید از طریق کاهش سطح تسلیحات تا میزان پایین‌تر از بین برود، و نه از طریق تولید سلاح‌های بیشتر. پیمان ورشو همچنین پیشنهاد می‌کند بودجه‌های نظامی کشورهای عضوین پیمان و ناتو کاهش یابد.

اجلاس برلین خواهان تدوین چارچوب قراردادی میان اتحاد شوروی و آمریکا درباره سلاحهای تهاجمی - استراتژیک هسته‌ای و رعایت قرارداد منع سیستم‌های ضد موشکی گردید. (آمریکا قصد دارد با نقض این قرارداد برنامه "چنگ ستارگان" را به اجرا بگذارد.) پیمان ورشو بار دیگر پیشنهاد کرد کلیه آزمایشهای هسته‌ای متوقف گردد. در قطعنامه اجلاس برلین همچنین آمده است یک قرارداد بین‌المللی برای منع کامل سلاحهای شیمیایی می‌تواند تا پایان سال جاری به امضا رسد. اجلاس برلین از طرح "دالان غیر هسته‌ای و غیر شیمیایی" که توسط حزب سوسیالیست متحد آلمان

دمکراتیک، حزب کمونیست چکسلواکی و حزب سوسیال دمکرات آلمان فدرال تهیه شده و برچیدن کلیه سلاحهای هسته‌ای و شیمیایی از این سه کشور را پیش‌بینی می‌کند حمایت کرد. در قطعنامه برلین تاکید شده است کشورهای سوسیالیستی آماده اعمال هر گونه کنترل دو جانبه، شامل کنترل در محل، برای رعایت قراردادهای خلیج سلاج هستند.

کشورهای سوسیالیستی اروپا هدف سیاست خارجی خود را ایجاد "یک نظام همه جانبه صلح و امنیت بین‌المللی شامل عرصه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و انسانی" اعلام کردند و خواستار گسترش همکاری اقتصادی و علمی - فنی و نیز همکاری برای حفظ محیط زیست میان کشورهای اروپایی شدند. مناسبات میان کشورهای دارای نظامهای متفاوت اجتماعی طبق قطعنامه اجلاس برلین باید بر این اصول مبتنی باشد: احترام به استقلال و حاکمیت ملی، عدم کاربرد و عدم تهدید به کاربرد قوی، مساویت مرزها و تمامیت ارضی، حل مسالمت آمیز اختلافات، عدم دخالت در امور داخلی، حقوق برابر و سایر اصول و اهداف منشور ملل متحد، قطعنامه هلسینکی و سایر معیارهای مناسبات بین‌المللی که مورد پذیرش عمومی است. •

سنت‌های مبارزه با ...

بقیه از صفحه ۲

همبستگی و حمایت از مبارزه مردم ایران علیه رژیم تنها زمانی خواهد توانست توجه افکار عمومی بین‌المللی را به خود جلب کند که از اکتفا به تکرار شیوه‌های معمول و مرسوم اجتناب ورزد. نیروی عادت، مارا به سمت ادامه روال همیشگی در تبلیغات و فعالیت‌های خود می‌کشاند. تمایل غیرارادی به انتخاب اشکال و شیوه‌های متعارف مبارزه، به انتخاب شیوه‌هایی که دهها و دهها بار اجرا شده و از این رو، تکرار آن نیاز به فکر کردن دوباره و بازاندیشی ندارد، برخوردار روزمره و بوروکراتیک به مسائل و وظایف مبارزه، از آفاتی هستند که می‌توانند مانع اثربخشی فعالیت افشاگرانه و بسیج گراما علیه رژیم در خارج از کشور گردند.

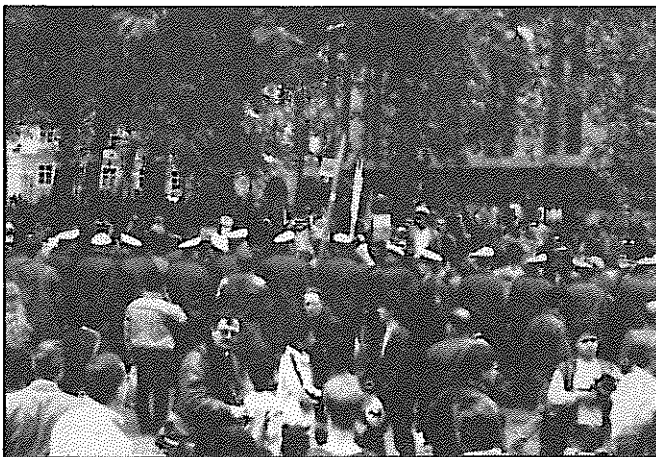
واقعیت این است که فعالیت تبلیغی و افشاگرانه علیه رژیم در قالبها و اشکال محدودی صورت می‌گیرد: جمع‌آوری امضا، شرکت در گردمایی و مراسم و پخش اعلامیه و... و جداگانه - برگزاری تظاهرات. آیا این رشته‌کارها، در برگیرنده سراسر طیف اشکال و شیوه‌های ممکن است؟ وجه مشترک همه شیوه‌هایی که فعلاً مرسوم است، واکنشی بودن آنهاست. ما باید بکوشیم فعالیت‌ها و تبلیغاتمان بیش از آنکه از موضع عکس‌العمل در برابر رویدادها باشد، خود نیز بتواند رویدادی تلقی شود.

بپیچیدگی‌ها و ویژگیهای افکار عمومی در کشورهای سرمایه‌داری - محل تمرکز فعالیت اپوزیسیون ترفیخواه ایرانی - چنان است که در برابر اشکال کهنه و تکراری تبلیغ بی‌واکنش می‌ماند.

تنها عدم اکتفا به آنچه تاکنون مرسوم و متداول بوده و فکر کردن مستمر و مداوم به راهها و ابتکارات جدید است که خواهد توانست پاسخگوی وظیفه افشای هر چه گسترده‌تر رژیم در خارج از کشور باشد. به تجربه عین‌چند سال اخیر نگاه کنیم: آن اقدامات و اعتراضاتی و بنا بر این موثرترین بوده‌اند - که به گونه‌ای، یک عنصر "نو" در خود داشته‌اند. بکوشیم تا این "نو" را بیابیم - هر بار، همیشه و در هر کجا.

بدیهی است که دستاوردهای مبارزه و فعالیت خستگی‌ناپذیری نیز که تاکنون انجام گرفته گرانقدر است. نباید به آنچه در چارچوب همین اشکال و شیوه‌های تابه حال متداول، انجام گرفته، کم بها داد. همین اقدامها نیز در افشا و انزوای رژیم موثر بوده‌اند و باید ادامه یابند. سخن بر سر ارتقای سطح مبارزه است، سخن بر سر اجرای وظایف سنگینی است که بر دوش ما قرار دارند.

بکوشیم که با درک کامل اهمیت این وظایف، با پویایی و خلاقیت از عهده انجام آنها برآیم •



تظاهرات پلیس با حزب الله؟

حزب اللهی‌ها تحت حمایت فعال انبومی از افراد پلیس جرات کردند آفتابی شوند. برداختند. مزدوران، پس از بازگشت، با پتک شعارهای کوبنده علیه خمینی، مواجه شدند. پلیس فعالانه‌تر حرکات مزدوران را زیر نظر گرفته و از طریق هماهنگی بین خود و بسیج نیرو، خمینی و مزدوران را با خنثی ساختن معرکه گیری‌هایشان بیشتر در سطح جهانی بی‌آبرو سازند •

هوشدن حزب الله در بن

بقیه از صفحه اول

گردید از پلیس آلمان فدرال طلب حمایت ویژه کرده بود. پلیس نیز به این درخواست لبیک گفته و نیروی پر شمار ویژه‌ای را برای حفاظت از حزب الله به صحنه هوشدن آنها اعزام نموده بود.

پلیس پس از ظنن افکندن شعارهای کوبنده ایرانیان مخالف رژیم - که از گروههای مختلف بودند - فضلاء کوشید آنها را پراکنده کند. صف حزب الله در این میان کاملاً مشتت گشته و آنان خود را باخته بودند. ایرانیان شعارهای مختلفی به فارسی و آلمانی در فضای میدان ظنن افکن ساختند؛ مرک بر خمینی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!، سرتنور باد رژیم جمهوری اسلامی! جنگ خلیج پایان باید یابد و نظایر اینها. مخالفین پس از حمله پلیس مجدداً جمع گشته و به دادن شعار

پرداختند. پلیس باز حمله آورد و نفر را دستگیر کرد. رهبران آلمانی با نفرت به حزب اللهی‌ها تکریمت و از مواضع نیروهای انقلابی و مترقی ایران دفاع نموده و با پلیس به خاطر اعمال خشونت علیه مخالفین و حمایت از مزدوران خمینی چروبحث می‌کردند. اعلامیه‌هایی که از سوی فدائیان خلق پخش می‌شد، دست به دست می‌گشت. آلمانی‌ها به خاطر تلاش پلیس برای جمع‌آوری اعلامیه‌ها، پلیس را مورد انتقاد شدید قرار می‌دادند.

مزدوران جمهوری اسلامی به قصد تظاهرات میدان را ترک کرده و پس از ۱/۵ ساعت دوباره به آنجا برگشتند. در این فاصله ایرانیان مخالف رژیم که عده آنها را فعالین سازمانهای چپ تشکیل می‌دادند، فعالانه به افشاکری علیه مزدوران حکومتی و جنایتکاریهای خمینی

دیدار میخائیل گارباجف از رومانی

میخائیل گارباجف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی هفته گذشته یک دیدار رسمی دوستانه از رومانی به عمل آورد. وی در طی مدت اقامت خود در رومانی با نیکلای چاوشسکور رهبر این کشور دیدار و گفتگو کرد. موضوع مذاکرات شوروی و رومانی، وظایف و برنامه‌های جاری دو حزب کمونیست و دو کشور سوسیالیستی، صلح مناسبات کلونی و نیز جنبه‌های مهم سیاست بین‌المللی در موقعیت کلونی بود. دیدار گارباجف از بخارست نخستین بازدید یک رهبر شوروی از رومانی از یازده سال پیش بدین سو بود.

درگیری‌های خونین فرقه‌ای در هند

در درگیری‌های خونینی که در شهر مروت واقع در شمال هند میان هندوها و مسلمانان افراطی صورت گرفت، صدها تن کشته شدند. بدنبال این درگیری‌ها، ارتش هند در حمایت از واحدهای پلیس ایالت اوتارپرادش وارد عمل شد. شهر مروت در ۹۰ کیلومتری شمال شرقی دهلی قرار دارد. مقامات هند برای مدت نامحدودی در این شهر مقررات منع عبور و مرور اعلام کرده‌اند.

در بخش کهنه دهلی نیز طی هفته‌های اخیر میان هندوها و مسلمانان درگیری‌های خونینی رخ داد. دوشنبه گذشته مقررات منع عبور و ورود در این بخش از دهلی تنها به مدت یک ساعت لغو گردید. عکس، صحنه‌ای از خیابانهای شهر میلیونی مروت را پس از درگیری‌های اخیر و اعزام واحدهای ارتش نشان می‌دهد.



اخبار کوتاه

● زاشو زیانگ نخست وزیر چین که عهده‌دار وظایف دبیر کل حزب کمونیست چین نیز هست، در یکن با کیم ایل سونگ دبیر کل حزب کارگره و رئیس جمهور جمهوری دمکراتیک خلق کره دیدار و گفتگو کرد. در این مذاکرات که چندین ساعت به طول انجامید طرفین پیرامون اوضاع در دو کشور و مناسبات دو جانبه و نیز اوضاع بین‌المللی به تبادل نظر پرداختند.

● اعتصابات گسترده ایتالیا را فراگرفته است. ۱۵ هزار معلم و بخش بزرگی از کارکنان راه آبن ایتالیا در این اعتصاب برای دستیابی به حقوق و دستمزد بیشتر شرکت دارند. پروازهای داخلی نیز تحت تأثیر اعتصاب خلبانان مختل شده است.

● هفته گذشته در شهر دانشگاهی گوتینگن آلمان فدرال تظاهراتی با شرکت ۴۰ هزار دانشجو علیه سیاست دولت ایالتی "نیدرزاکسن" مبنی بر کاهش بودجه دانشگاهها صورت گرفت. این تظاهرات به علت گسترده‌گی آن با زتاب نیرومندی یافت.

حمله آفریقای جنوبی به موزامبیک و زامبیا

سلاح ارتش آفریقای جنوبی با کشتی در ساحل مپوتو پیاده شده و سپس با اتومبیل به محل اجرای عملیات خود رفتند.

در تاریخ ۲۵ ماه مه نیز واحدهای مسلح آفریقای جنوبی به شهر لیونگستن در زامبیا حمله کردند و ۵ نفر را به قتل رساندند.

حمله جمعه گذشته به موزامبیک علیرغم قرارداد عدم تجاوز میان دو کشور صورت گرفت که در سال ۱۹۸۴ به امضا رسید. از هنگام امضای این قرارداد تاکنون، رژیم آفریقای جنوبی بارها آن را نقض کرده است.

هفته گذشته رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی دو کشور همسایه را مورد تجاوز نظامی قرارداد.

جمعه گذشته یک گروه کماندویی ارتش رژیم آپارتاید به حومه مپوتو پایتخت موزامبیک حمله کرد و سه تن را به قتل رساند. حمله با هدف تخریب ساختمان مقر کنگره ملی آفریقا در مپوتو صورت گرفت. به این ساختمان آسیب رسید اما در آن کسی مجروح نشد. سه غیرنظامی در ساختمان محل اقامت پناهندگان اهل آفریقای جنوبی در موزامبیک قربانی جنایت جدید نژادپرستان شدند.

به گزارش خبرگزاری موزامبیک، نفرات

اعزام سه کشتی مین‌یاب شوروی به خلیج فارس

کمیسیون رسیدگی به ماجرای حمله هوایی عراق به رزمناو استارک که از سوی دولت آمریکا تشکیل شده بود، به تحقیقات خود در عراق پایان داد. رئیس این کمیسیون در بغداد اعلام کرد اطلاعات کافی برای بازسازی روال این حادثه جمع آوری شده است. وی افزود طرح یک قرارداد میان آمریکا و عراق برای جلوگیری از حوادث مشابه تهیه شده است.

وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد جرج شولتز وزیر خارجه این کشور در اجلاس وزرای خارجه ناتو که در ماه ژوئن در بروکسل برگزار خواهد شد بار دیگر بر خواست واشنگتن دایر بر شرکت همه کشورهای ناتو در عملیات آمریکا در خلیج فارس یافشاری خواهد کرد. و این برگر وزیر دفاع آمریکا هفته گذشته در اجلاس وزرای دفاع ناتو در بروکسل کوشید متحدان اروپایی آمریکا را به شرکت در عملیات پنتاگون در خلیج فارس جلب کند، اما وزرای دفاع سایر اعضای ناتو در برابر این خواست واشنگتن موافقت نکردند و خاطر نشان ساختند خلیج فارس در حوزه عمل ناتو قرار ندارد.

به گزارش خبرگزاریها، اتحاد شوروی سه کشتی مین‌یاب خود را به خلیج فارس اعزام کرد. این سه کشتی به دو رزمناو شوروی خواهند پیوست که از پایان سال ۱۹۸۶ بدین سو در آبهای خلیج فارس رفت و آمد می‌کنند. ماه گذشته یک کشتی غیرنظامی شوروی در خلیج فارس به یک مین دریایی برخورد کرد و آسیب دید.

پنتاگون، وزارت دفاع آمریکا اطلاع داد این کشور برنامه خود را برای اسکورت کردن نفت کشتی‌های کویت در آبهای خلیج فارس به مدت چند هفته به تعویق انداخته است. این تصمیم به دنبال ابراز مخالفت با این برنامه از سوی برخی نمایندگان کنگره اتخاذ شد. پنتاگون اعلام کرد تا اطلاع ثانوی وظیفه نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس به "آماده شدن برای وظایف جدید" محدود خواهد بود. برخی نمایندگان کنگره آمریکا ابراز نگرانی کرده بودند که در صورت اسکورت کردن کشتی‌های کویتی از سوی کشتی‌های جنگی ایالات متحده به جنگ ایران و عراق کشانده خواهد شد.

پیشنهاد انقلابیون السالوادور برای مذاکره رد شد

ژوئیه را پیشنهاد کرده بود. روبن زامورا، از رهبران جبهه دمکراتیک انقلابی، ضمن اعلام برنامه مزبور در مکزیکوسیتی گفت این طرح، پیشنهاد افصح‌بینانه و قابل اعتمادی برای مصون نگه داشتن مردم غیرنظامی از آسیب‌های جنگ و از سرگیری مذاکرات دولت و انقلابیون که در سال ۱۹۸۴ قطع شده بود، می‌باشد.

جنگ داخلی در السالوادور که از هفت سال پیش ادامه دارد، تاکنون بیش از ۶۰ هزار قربانی گرفته و یک میلیون تن را بی‌خانمان کرده است.

تهاجم ارتش سری لانکا به تامیل‌ها

تهاجم اخیر علیرغم تلاش دولت هند برای میانجی‌گری میان طرفین صورت می‌پذیرد. پنجشنبه گذشته راجیو گاندی دولت سری لانکا را متهم ساخت که با سببیت، هزاران تن از شهروندان این کشور را به قتل رسانده است.

شمار زیادی از مردم مناطق تامیل‌نشین به علت تشدید درگیری‌های مسلحانه در شبه جزیره جافنا به مناطق جنوبی هند گریخته‌اند.

خوزه ناپلئون دوارته رئیس جمهوری السالوادور پیشنهاد جبهه دمکراتیک انقلابی، شاخه سیاسی جبهه رهایی بخش ملی فارابوندومارتی، برای کاستن از فجایع جنگ داخلی در این کشور را رد کرد. این پیشنهاد ۱۸ ماده‌ای توسط نمایندگان جبهه مزبور در مکزیکوسیتی اعلام شده بود. انقلابیون اعلام کردند در صورتیکه دولت السالوادور از حملات هوایی، استفاده از توپخانه و سربازگیری اجباری چشمپوشی کند، نیروهای میهن‌پرست نیز از کارگذاری مین و اقدامات سابوتاژ خودداری خواهند کرد. جبهه دمکراتیک انقلابی برای انجام مذاکرات تاریخ ۱۵

تهاجم گسترده ارتش سری لانکا به مناطق محل زندگی خلق تامیل ادامه دارد. به گزارش منابع دولتی در کلمبو، این یورش در شبه جزیره جافنا در شمال جزیره سری لانکا انجام می‌پذیرد. نیروهای دولتی منطقه واداماراکي را که نیروهای جبهه آزادیبخش تامیل بیشتر در آنجا مستقرند، بطور عمده تحت کنترل خود در آورده و بندر مهم والوتی توتاری را تصرف کرده‌اند.

به مناسبت

۱۱ خرداد (اول ژوئن) روز جهانی کودک

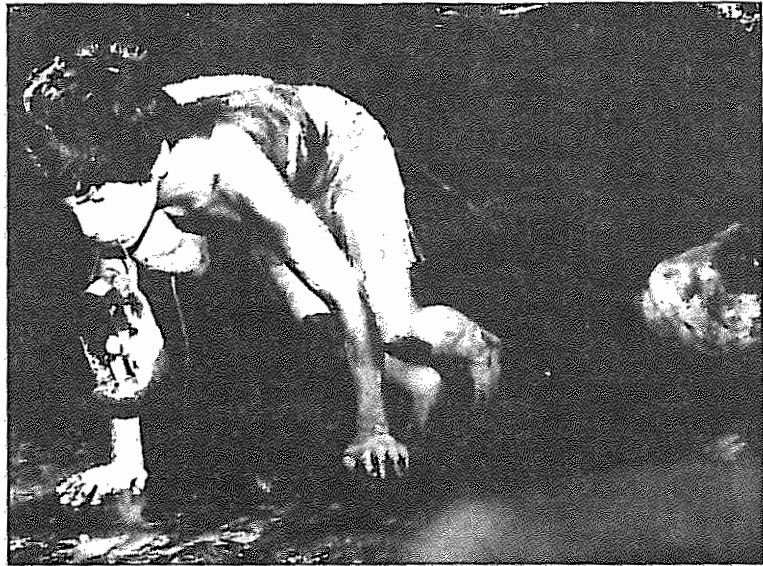
وضع کودکان،

آینه تمام نمای يك جامعه

کودکان فردای جهان ما هستند . آنها در روزگاری خواهند زیست که بزرگترها نخواهند دید . روزگاری بهتر و سعادت خند تر . اما کودکان ، امروز ما نیستند . به قول گابریلا میسترال شاعره شیلیایی بی و برنده جایزه ادبیات نوبل ، کودک یعنی "امروز" . نمی توان تا فردا یا تا سالها بعد صبر کرد تا بلکه کودکان در آن هنگام از حق نادمان بویس ، بوشیدن و خوردن و

در صلح زیستن بهره مند گردند . جامعه ما عین نظام خود را در وضعی نشان می دهد که برای کودکان فراهم می آورد . وضع کودکان ، آینه تمام نمای يك جامعه است . در جامعه ای که فقر و استعمار و مروت سرکوب و جنگ و نا ابروی حکم می رانند ، کودکان نیز - و آنها بیش از همه رنج می کنند . اما در جهان ما آنجا که طبقه کارگر به حاکمیت سرمایه پایان داده و خود رهبر جامعه شده است ، به پشت کودکان را می سازند .

در سال ۱۹۴۹ فدراسیون بین المللی زنان دمکرات طی نشست بر اساس تصمیم کنگره دوم خود اول ژوئن را روز جهانی دفاع از کودکان اعلام کرد . در سال ۱۹۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد "اعلامیه حقوق کودک" صادر نمود . از آن هنگام هفتاد و یک سال اول ژوئن - (۱۱ خرداد) در سراسر جهان بخوان روز جهانی کودک جشن گرفته می شود . در کشورهای سوسیالیستی این روز مناسبتی است تا بزرگترها باز هم بیشتر به تلاش مستمر برای بهبود شرایط زندگی بقیه در صفحه ۶



کودک معدنچی . تازیانه بر تنش چنگ می کشد . استخوان می شکند و خون ...

شواش بیینی

ناظم حکمت

بچه ها !
روزهای زیبایی در انتظار است ما را
روزهای روشنی
خوا
هم
دید
قایقها را در آبی آبها
خواهیم راند
در آبهای روشن آبی
خوا
- هم راند
نمی دانید بچه ها :
پوسه گرفتن چه زیباتر
در ۱۶۰ کیلومتر سرعت .
*
براستی اما چه شد ...
چه شد جمعه ها و یکشنبه های پر گل ما ؟
تنها جمعه ها
و تنها یکشنبه ها
ما را برسره آمده ،
که در خیابانهای روشن و نورانی
منازعه های ۷۷ طبقه را به تماشا ایستاده ایم
چون کودکی که افسانه ای پریان را گوش می کند .

فریاد می زنیم چه شد ؟
می گشاید در زندان ،
- این کتاب جلد سیاه -
در پاسخ این فریاد .
تازیانه بر تنمان چنگ می کشد
استخوان می شکند
و خون
آنک کودکانمان ،
چون اسکلت های مومی
از کارخانه ها به خانه باز می گردند ،
و هفته ای یکبار گوشت نیز
بر سر سفره مان نیست .
اما ... بچه ها ! باور کنید
ما را
روزهای زیبایی در انتظار است
روزهای روشنی
خوا
- هم دید
قایقها را در آبی آبها خواهیم راند
در آبهای روشن آبی
خوا -
- هم راند . بچه ها

... عدد ۷۷ در اشاره ناظم حکمت ، به کرات آمده است و مثل «پلک های ۷۷ طبقه» کارخانه های ۷۷ طبقه که قصد ناظم وابستگی این موسسات است به امیرالیزم جهانی مترجم

کمونیستهای نروژ جنگ و خفقان در ایران را محکوم کردند

در هماهنگی با هدفهای آمریکا در منطقه عمل می کند ...

در زندانهای جمهوری اسلامی اعلام می دارد .

چندی پیش نوزدهمین کنگره حزب کمونیست نروژ در اسلو برگزار شد . این کنگره قطعنامه ای دربارہ جنگ ایران و عراق و دفاع از زندانیان سیاسی ایران به تصویب رساند . در این قطعنامه آمده است کنگره "نگرانی و نفرت عمیق خود را نسبت به جنگ ایران و عراق و همچنین رفتار وحشیانه علیه زندانیان سیاسی

در پایان جنگ و آزادی زندانیان سیاسی ایران تاکید شده و آمده است : "شکست و اعدام زندانیان سیاسی و دگراندیشان باید بیدارنگ قطع گردد" .

قطعنامه درجایی دیگر می افزاید : "در ایران هر صدا و هر جنبش صلح خواهانه با خشونت سرکوب می شود . رژیم جمهوری اسلامی هرگونه پیشنهادی را برای صلح رد می کند . روابط پنهانی و آشفتگی تهران نشان دهنده آنست که جمهوری اسلامی ایران

AKSARIYAT
NO. 159
MONDAY JUN. 1. 87
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY